

حقوق بهره برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار

شیرین شیرازیان*^۱

shirin_shirazian@yahoo.com

عطیه خطیبی^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل محیط زیست که در سال‌های اخیر توسعه زیادی پیدا کرده است، حفاظت محیط زیست آبراه‌های بین‌المللی است. در واقع، مدیریت و حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی یکی از دغدغه‌های مهم بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و جهانی بوده است. تدوین بسیاری از مقررات و معاهدات بین‌المللی در این خصوص، نشان‌دهنده گرایش جامعه جهانی به یافتن راه‌کار اساسی برای حل مسایل مربوط به منابع آبی، به‌ویژه بهره‌برداری از منابع آبی و حفاظت محیط‌زیست آن‌ها بوده است و بدون شک این تلاش‌ها به تصویب کنوانسیون‌های متعددی در این باره از قبیل: قواعد هلسینکی ۱۹۶۶، کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از دریاچه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون حقوق استفاده از آبراه‌ها در مصارف غیر کشتیرانی نیویورک سال ۱۹۹۷ منجر گردید که ابزاری برای حل مشکلات مربوط به آبراه‌ها به شمار می‌آید. در این پژوهش تلاش شده است ضمن بررسی قواعد و مقررات حاکم بر این حوزه حقوق بین‌الملل، به بررسی جایگاه توسعه پایدار در حقوق آبراه‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آبراه‌های بین‌المللی، توسعه پایدار، حفاظت محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست.

۱- استادیار گروه حقوق محیط زیست دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات * (مسئول مکاتبات).

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

مقدمه

بررسی این کنوانسیون به ویژه اصل استفاده منصفانه و معقولانه است. در بخش دوم با مروری بر مفهوم توسعه پایدار و روند تاریخی آن، سعی بر آن است که تعامل و ارتباط مفهوم توسعه پایدار در حقوق آبراه‌های بین‌المللی به ویژه دو کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی سازمان ملل ۱۹۹۷ و با توجه بیشتر به اصل استفاده منصفانه و معقولانه مورد بررسی قرار گیرد.

۱- توسعه حقوق آبراه‌های بین‌المللی در زمینه بهره

برداری های غیر کشتیرانی

با رشد و توسعه انقلاب صنعتی و ایجاد شیوه‌های سریعتر و کارآمد برای حمل و نقل و هم‌چنین رشد سریع جمعیت و تقاضا برای مصارف دیگر منابع آبی مانند مصارف خانگی و آبیاری، مصارف غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی نیز از مسائل مهم تلقی شد [۳] و به تدریج اهمیت مصارف کشتیرانی جایگاه خود را از دست داد؛ به ویژه پس از جنگ جهانی دوم با افزایش وابستگی به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها برای اهداف غیر کشتیرانی ناشی از تلاش‌های ساخت و ساز و توسعه، ضروری شد. با ایجاد وابستگی به رودخانه‌های بین‌المللی طیف وسیعی از قوانین الزام آور و غیرالزام آور با مشارکت سازمان ملل و البته دو نهاد بین‌المللی، موسسه حقوق بین‌الملل و انجمن حقوق بین‌الملل مطرح شد.

مصارف غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی و ایده اشتراک منابع میان کشورهای ساحلی، دیدگاه مالکیت آب‌های فرامرزی را مطرح کرد (۴). از آنجایی که این منابع از مرز رسمی و قانونی دو کشور عبور می‌کنند و دو کشور بر سر استفاده از آن توافق نظر ندارند در این موقعیت است که بر سر کمبود آب یا بهره‌برداری بی‌رویه اختلافات آغاز شده و معمولاً منجر به نزاع و فشار به منابع آب و بروز اختلافات دامنه دار و طولانی مدت می‌شود [۵]. برای حل این مشکل تئوری‌های مختلفی تحت عنوان دگرترین‌های حقوقی مطرح شده است.

آبراه‌های بین‌المللی با طیف وسیعی از چالش‌ها از تخریب اکوسیستم تا توسعه زیرساخت‌ها و کاهش تنوع زیستی، از ورود آلودگی تا تخریب تالاب‌ها، و از تصادفات ناشی از کشتیرانی تا بهره‌برداری بیش از اندازه از ذخیره آبریزان مواجه هستند. همه این تغییرات با تاثیر بر کشاورزی و آبیاری، ماهیگیری و فرصت‌های کشتیرانی بر جمعیت کشورهای ساحلی تاثیر می‌گذراند. در حالی که یک سوم دنیا با آب پوشیده شده است، دسترسی به آب‌های شیرین محدود شده است [۱ و ۲]. به علاوه دسترسی به آب‌های شیرین به صورت کاملاً نابرابر در سراسر کره زمین پراکنده شده است و همین امر باعث افزایش رقابت بر سر بهره‌برداری بیشتر از منابع آبی مشترک بین دو یا چند کشور گردیده است و همین مساله سبب ایجاد اختلاف، تضاد و تنش‌های سیاسی و بعضاً نظامی در برخی از مناطق دنیا گردیده است. از اینرو معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی زیادی با مشارکت موسسه حقوق بین‌الملل، انجمن حقوق بین‌الملل و سازمان ملل تنظیم شده است. مهمترین این توافقات از مجموعه قوانین الزام آور از معاهده هلسینکی ۱۹۹۲ شروع می‌شود و به آخرین معاهده الزام آور جهانی یعنی کنوانسیون مربوط به حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی نیویورک ۱۹۹۷ ختم می‌شود. یکی از اصول اساسی حقوق آبراه‌های بین‌المللی که در این کنوانسیون به آن اشاره شده است اصل استفاده منصفانه و معقولانه است که در سایه این اصل می‌توان به ارتباط مفهوم توسعه پایدار و مبانی آن با حقوق آبراه‌های بین‌المللی پی برد. از این رو این مقاله در نظر دارد که در ابتدا با تمرکز بر سیر تحولی مفهوم حقوقی آبراه‌های بین‌المللی به تشریح رویکرد کلاسیک و مدرن از آبراه‌های بین‌المللی بپردازد. سپس به بررسی حقوقی نظریه‌های حقوقی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های شیرین مشترک و در نهایت به بررسی قواعد و مقررات الزام آور و غیر الزام آور حاکم بر بهره‌برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی بپردازد؛ اما از آنجایی که کنوانسیون نیویورک آخرین معاهده الزام آور جهانی در این زمینه از حقوق بین‌الملل است، بیشتر تمرکز مقاله بر

می‌توان آبراه‌های بین‌المللی دانست تا کشورهای پیروز بتوانند از آزادی کشتیرانی در آنها بر خوردار شوند.

در کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۹ بود که دیگر بهره‌برداران‌های اقتصادی به جز کشتیرانی مسیرهای آبی در منفعت بین‌المللی مطرح شد. و ماده یک این کنوانسیون منابع آب بین‌المللی را «مسیر قابل کشتیرانی که برای تمام دول ساحلی واجد منفعت باشد و باعث جدا کردن دو یا چند دولت و یا از آنها عبور می‌کند» دانسته است. در بند ۶ ماده ۱۰ این کنوانسیون ذکر شده که یک دولت ساحلی می‌تواند به طور استثنایی بر مسیر قابل کشتیرانی تأثیر بگذارد اگر بتواند اثبات کند که صنعت کشتیرانی آن توسعه نیافته است و این که بتواند منفعت بالاتر آن را نسبت به صنعت کشتیرانی اثبات نماید. نتیجه حاصل شده این است که از کنوانسیون بارسلون، مفهوم سنتی کشتیرانی با یک مفهوم جدید از «عملکرد اصلی اقتصادی» تکمیل شد (۷).

از بعد از کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۹ بود که تعریف سنتی آبراه بین‌المللی جای خود را به تعاریف دیگری داد.

۱-۱-۲- رویکرد مدرن از مفهوم آبراه بین‌المللی

تعاریف مختلفی که بعد از کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۹ ارائه شد در بر گیرنده واحد زمین‌شناسی به عنوان حوضه بود. حوضه نه فقط یک مفهوم فیزیکی بلکه قبل آن یک مفهوم اقتصادی و اجتماعی است. نظریه حوضه رودخانه فراتر از کشتیرانی ساده است بلکه امکان درک تمام استفاده‌های ممکن از رودخانه بین‌المللی را می‌دهد. که این نظریه زمینه ساز یک رویکرد مدرن از مفهوم آبراه بین‌المللی بود.

دکترین و رویه دول در این دوره، بین سه نوع حوضه، تمایز قائل شد. نخست، مفهوم حوضه آبریز رودخانه که اشاره به واحد هیدروگرافی دارد که شامل یک رودخانه و سرشاخه‌های آن می‌شود. سپس، مفهوم حوضه بین‌المللی زه‌کشی آب که به عنوان یک منطقه که دو یا چند دولت را تحت پوشش قرار می‌دهد. جائیکه در آن آبها تغذیه شده و به یک خروجی می‌ریزند. این مفهوم که گسترده تر از مفاهیم پیشین خود بود، کل شبکه مسیرهای اصلی رودخانه، شاخه‌ها و دریاچه‌ها و آب‌های زیرزمینی را در بر می‌گرفت. و در آخر، مفهوم حوضه

۱-۱- سیر تحولی مفهوم حقوقی آبراه بین‌المللی در پرتو

کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷

از قرن نوزدهم میلادی، تعاریف متعددی از منابع بین‌المللی آب، آبراه‌ها یا رودخانه‌های بین‌المللی توسط حقوقدانان پیشنهاد و در رویه دول پذیرفته شده است. که این قضیه به دنبال روند تدریجی شناخت ماهیت و قابلیت‌های بالقوه آبهای بین‌المللی برای مصارف گوناگون و خساراتی که آب می‌تواند ایجاد نماید، با اهمیت نمایان شده است. در نتیجه، بر اساس مبانی گفته شده، تغییرات ایجاد شده در تعریف حقوقی از یک آبراه بین‌المللی را می‌توان در دو بخش نظریات یا دکترین کلاسیک و مدرن بررسی نمود. که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- رویکرد کلاسیک از مفهوم آبراه بین‌المللی

بر مبنای نظریات کلاسیک، در صورتی رودخانه‌ای، بین‌المللی تلقی می‌شود که قابلیت کشتیرانی در بخشی از آن وجود داشته باشد که این بخش برای دو یا چند کشور واجد منفعت باشد. و در واقع، از نقطه نظر حقوق بین‌الملل، در صورتی رودخانه‌ای بین‌المللی تلقی می‌شود که تمامیت اختیارات یا صلاحیت هر یک از کشورهای همجوار بر آن خاتمه می‌یابد و معمولاً، منحصر به بخش قابل کشتیرانی رودخانه که در قلمرو یا حوزه صلاحیت هر کشور واقع است، به کشور مورد نظر تعلق دارد (۶).

از لحاظ تاریخی، ماده ۱۰۸ قوانین نهایی کنگره وین سال ۱۸۱۵، را می‌توان اولین مبنای رویکرد کلاسیک حقوقی از مفهوم آبراه بین‌المللی در نظر گرفت. در این ماده به آبراه‌های قابل کشتیرانی، اعم از آبراه‌های هم‌مرز یا متوالی، آبراه‌های مشترک میان چند کشور همجوار، احاطه شده بودند (دریاچه‌های مرزی یا بین‌المللی) اشاره دارد.

عبارت «رودخانه‌هایی که بین‌المللی اعلام شده‌اند» در معاهدات صلح ورسای بعد از جنگ جهانی اول ۱۹۱۹ بکار رفته شده است. این عبارت به معنای این بود که آبراه‌های ملی را که از قلمرو کشورهای شکست خورده در جنگ عبور می‌کردند،

حاکمیت ارضی که شناخته و حفاظت شده توسط حقوق بین المللی می باشد.

۱-۲-۱- نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق

این نظریه که به دکتربین هارمون نیز معروف است عملاً نقشی در حمایت از دولت بالادست آبراهه بین المللی بازی می کند. به موجب این نظریه آن قسمت از رودخانه های بین المللی که در سرزمین هر کشور جریان دارد جزء آبهای داخلی آن کشور در نظر گرفته شده و هر کشور میتواند از این منبع آبی به هر صورتی که ضروری می داند بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن استفاده نماید. به دلیل منافعی که این دکتربین برای کشورهای بالادست رودخانه های مشترک وجود دارد، بدیهی است که کشورهای بالادست در تنشها و اختلافات آبی به این اصل استناد می نمایند. از آن جایی که این دکتربین برخلاف عدالت و انصاف بوده، توسط بسیار کمی از حقوقدانان حمایت شده است. همچنین این نظریه دیگر نه در رویه های بین المللی بکار برده شده و نه توسط رویه های قضایی تایید شده است. علاوه بر این، این نظریه توسط چند تصمیم حقوقی و یا داوری بین المللی مورد انتقاد قرار گرفته است. چنانچه هم در احکام داوری صادره در رابطه با قضیه دریاچه لنوکس و قضیه تریل اسملتر و هم در حکم صادره از دیوان بین المللی دادگستری در مورد کانال کورفور این موضوع به وضوح دیده شده است. این نظریه « با نیازهای مدرن که دارای وابستگی متقابل هستند و همکاریهای بین دولتها در جهان معاصر که به خاطر کمبود آب و شدت مشکلات زیست محیطی می باشد، ناسازگار است ».

۱-۲-۲- نظریه تمامیت مطلق سرزمینی

براساس این اصل، کشورهای ساحلی رودخانه ها نمی توانند تغییرات جدی را در وضع طبیعی کشور خود ایجاد نمایند. به طوری که سبب تغییرات و اثرات منفی مهمی در سایر کشورها گردد، زیرا این تغییرات بر تمامیت ارضی کشورهای پایین دست اثر خواهد گذاشت. و در واقع در چارچوب این نظریه کشورهای پایین دست حق تقاضای یک جریان طبیعی آب از لحاظ سرعت

هیدروگرافیک یا سیستم آبراه بین المللی. این مفهوم که برای اولین بار در قطعنامه سالزبورگ ۱۹۶۱ ظاهر شد، شامل هم زه کش های اصلی و هم زه کش های فرعی حوضه آبریز، دریاچه ها، کانال ها، یخچال های طبیعی و آب های زیرزمینی، به دلیل ارتباط فیزیکی آنها. بنابراین استفاده از آب در یک نقطه از این مجموعه می تواند بر روی آب محل دیگری از این مجموعه تاثیر بگذارد. بر این اساس، خصلت بین المللی آبراه در این تعریف به طور نسبی مشخص شده نه به طور مطلق.

این تعریف موجب بروز پیچیدگی ها و تردیدهایی در میان برخی دول شده است. به همین دلیل، وظیفه بررسی مساله مذکور به کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل واگذار گردید که بر همین اساس، عنوان « آبراهه های بین المللی » برای رودخانه ها، دریاچه ها، یخچال ها و آب های زیر زمینی بین المللی در نظر گرفته شد. در نهایت، این مفهوم در کنوانسیون بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی ۱۹۹۷، توسط کمیسیون حقوق بین الملل به کار برده شد. عبارت مذکور به معنای « شبکه ای از آب های سطحی و زیر زمینی است که به واسطه ارتباط فیزیکی خود، مجموعه واحدی را تشکیل می دهند و معمولاً به یک پایانه مشترک منتهی می شوند. بنابراین به طور کلی آبراه های بین المللی شامل آب های سطحی (رودخانه ها، دریاچه ها، شاخه های رود) و آب های زیرزمینی که دارای ارتباط فیزیکی هستند و مشترک میان دو یا چند کشور می باشند (۸).

۱-۲-۲- نظریه های حقوقی در زمینه بهره برداری آبهای

شیرین مشترک

برای ایجاد یک چارچوب مفهومی تجزیه و تحلیل قوانین بین المللی مرتبط با استفاده از آبراههای بین المللی، چهار نظریه متناقض موجود می باشد. که این نظریه های ارائه شده، مربوط به حقوق دولتهای ساحلی یک آبراهه بین المللی به منظور بهره برداری آبهای شیرین مشترک بین آنها می باشند. هر یک از این نظریه ها سعی بر امتزاج دادن یک جایگاه ویژه در زمینه استفاده آبراهه بین المللی توسط دولتهای ساحلی با مفهوم

منافع دولت، که پاسخگوی نیازها و استفاده هر یک از آنهاست، می‌باشد.

به دلایل انعطاف‌پذیری، مفهوم "معقول و منصفانه" مسلماً مبهم است و نمی‌توان آنرا تعیین کرد مگر در هر مورد با احتساب تمام عوامل مرتبط. پیچیدگی در روند ایجاد تعادل منافع فعلی و آینده، همراه با عدم قطعیت در اجرایی کردن این اصل به دلیل عدم توسعه حقوقی، بدان معنی است که حقوق آبراه‌های بین‌المللی ابهاماتی در زمینه پذیرش این اصل در عمل بر جای گذاشته است.

با این حال، نظریه تمامیت محدود سرزمینی در حیطه حقوق بین‌الملل کاملاً پذیرفته شده است از جمله در رای دیوان دائمی دادگستری در سال ۱۹۲۹ پیرامون صلاحیت سرزمینی کمیسیون ادر تایید نمود که «دول از حق قانونی و مشترکی نسبت به منابع موجود در رودخانه‌های مشترک بر خوردارند که فقط محدود به حق عبور نمی‌گردد، اساسی‌ترین ویژگی حق مذکور اجتماع منافع کلیه طرفین نسبت به بهره‌برداری از رودخانه [در] و ممنوعیت امتیاز تبعیض آمیز هر یک از دول همجوار در مقایسه با دیگران است» (۱۰).

همچنین اصل مشابهی در رای دیوان دادگستری پیرامون قضیه رودخانه میوز (بین بلژیک و هلند) و در رای هیات داور در قضیه دلتای رودخانه هلمند اعلام گردید (۱۱) و در نهایت، در رای صادره در خصوص اختلاف میان فرانسه و اسپانیا در رابطه با بهره‌برداری از آب‌های دریاچه لانوکس در سال ۱۹۵۷، بر اصل مهم حمایت از منافع کلیه دول همجوار تاکید شد.

۱-۲-۴- تئوری منابع مشترک یا مدیریت مشترک

برای ترویج تعادل "معقول و منصفانه" منافع دولت، روش چهارم مدیریت منابع آب شیرین بین‌المللی ایجاد گردید، به نام تئوری منابع مشترک یا مدیریت مشترک. این نه تنها به عنوان یک رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شد، بلکه به عنوان وسیله برای احیاء مجدد اصل حاکمیت و یا تمامیت محدود سرزمینی گردید. و تکلیف صریحی بر مشارکت فعالانه در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرده است.

و کیفیت راز کشورهای بالا دست دارا می‌باشند. این اصل، در تضاد کامل با اصل دکترین هارمون است. چراکه نیازمند توافق قبلی کشورهای پایین دست برای هر گونه تغییر در رژیم آبراهه بین‌المللی می‌باشد. اگرچه این اصل مانند دکترین هارمون بر پایه اصل حاکمیت استوار است اما همچنین بنظر می‌رسد که بر پایه اصل برابری دولتها نیز استوار باشد. بنابراین می‌توان آن را سازگار تر با اصل تساوی حاکمیت مندرج در ماده ۲، بند ۱ منشور سازمان ملل متحد در نظر گرفته. همچنین می‌توان این تئوری به نوعی بیشتر مطابق با دیگر اصول حقوق بین‌الملل که مربوط به استفاده و با تعهد عام کشورها در این زمینه دانست.

با این وجود، اصل تمامیت سرزمینی مطلق ناعادلانه می‌باشد. زیرا دولت پایین دست مدعی حق جریان کاملی از آب است، بدون استرداد تعهدی و یک حق وتو که باعث فلج شدن هر توسعه هیدرولیکی در بالادست می‌شود. علاوه بر این، این عمل نامعقول و بی‌معنی خواهد بود "در شرایطی که اگر دولت پایین دست استفاده بهینه‌ای از آب را نداشته باشد، چون این عمل مسلماً منجر به اتلاف این نوع از منابع است." (۹).

۱-۲-۳- نظریه حاکمیت و یا تمامیت محدود سرزمینی

نظریات حاکمیت و تمامیت مطلق سرزمینی، در عمل، غیر قابل اعمال هستند و ممکن است منجر به مذاکرات طولانی میان کلیه دول همجوار آبراه‌های بین‌المللی اعم از بالادست و پایین دست شوند. بر خلاف آن، نظریه تمامیت محدود سرزمینی، مبتنی بر این فرض است که هر کشور ساحلی حق استفاده و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خودش را دارد، به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمروی سرزمینی دولتها و کشورهای دیگر نگردد. در این مورد، حاکمیت بر منابع مشترک آب، نسبی و مشروط است. کلیه دول همجوار نسبت به بهره‌برداری از آب آبراه‌های مشترک از تکالیف و حقوق متقابلی برخوردار هستند.

این اصل بر اساس این ایده استوار است که رودخانه‌ها بین‌المللی منابع مشترکی هستند که توسط آنها یک «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی شکل می‌گیرد. وجود یک اجتماع منافع مشترک نیازمند تعادل "معقول و منصفانه"

بین المللی به انجام داده است. که این تلاشها به دو صورت قواعد و مقررات الزام آور و غیر الزام آور متبلور شده است. به منظور احراز وضعیت حقوقی مسائل خاص ناشی از مدیریت آبراهه های بین الملل، لازم است این قواعد که وضعیت حقوقی مذکور بر آن مبتنی می باشد، شناخته و بررسی گردد.

کنوانسیون هلسینکی راجع به حفاظت و استفاده از آبراههای فرامرزی و دریاچه های بین المللی یکی از اولین تلاشهای جامعه بین المللی در جهت تدوین حقوق استفاده های غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی اما در سطح منطقه ای است که به همت کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا در سال ۱۹۹۲ با هدف حفظ کمیت، کیفیت و استفاده پایدار از منابع آب فرامرزی از طریق همکاری برگزار شد. این کنوانسیون شامل یکسری اسناد بین الملل الزام آور برای تشویق مشارکت فرامرزی و کمک به حل مشکلات فرامرزی است (۱۳). این کنوانسیون شامل پیشنهاد اقداماتی برای همه شرکت کننده ها مانند پایش شرایط آبهای فرامرزی (ماده ۴)، ارائه شروط لازم، تنها برای کشورهای ساحلی (بخش دوم)، مانند همکاری از طریق توافق نامه ها (ماده ۹) و یک سلسله مقررات نهادی و سازمانی دائم برای حفاظت مستمر از محیط زیست دریاچه ها و رودهای فرامرزی در بخش سوم است. این متن حقوقی همچنان بر اصل « استفاده منطقی و منصفانه » از آبراههای فرامرزی تأکید می کند.

کنوانسیون مربوط به حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی نیویورک ۱۹۹۷ که آخرین و مهمترین سند بین المللی در این زمینه است. در سال ۱۹۷۰، مجمع عمومی سازمان ملل مطالعه بر روی قانون مصارف غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی را به کمیسیون حقوق بین الملل پیشنهاد داد. اگرچه که این کنوانسیون به طور گسترده وابسته به مطالعات انجمن حقوق بین الملل به ویژه قوانین هلسینکی و هم چنین تا حدودی وابسته به مطالعات موسسه حقوق بین الملل است. کنوانسیون قانون مصارف غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی سازمان ملل ۱۹۹۷ اولین سند قانونی جهانی الزام آور در ارتباط با استفاده و دیگر فعالیت های مربوط به آبراههای

این نظریه بر این اصل استوار است که کلیه کشورهای ساحلی یک آبراهه بین المللی، نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت مشترک هستند و یک رودخانه بین المللی به عنوان یک واحد اقتصادی، محسوب می گردد که منابع آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است. همراه با ایجاد یک مکانیسم بین المللی برای تدوین و اجرای کردن سیاست های مشترک مدیریتی، حفاظتی و توسعه حوضه آبریز. این مدیریت مشترک که می تواند توسط یک معاهده ایجاد گردد می تواند باعث تقویت وضعیت هنجاری حقوق بین الملل عرفی و یا عمومی، قوانین مختلف در بر دارنده تعهد به همکاری شود. انعقاد چنین معاهده ای نیازمند یک توافق داوطلبانه کشورهای ساحلی در این زمینه می باشد. عدم وجود این میل که ممکن است به دلایل مختلفی در هر حوزه آبریز باشد. مانند محدودیت های قانونی، علل سیاسی و اقتصادی که عدم قطعیت در توسعه و اجرایی کردن این اصل را به همراه خواهد داشت.

بنابر این اصل مدیریت مشترک، بیشتر یک رویکرد مدیریتی مشکلات و مسائل آب است تا یک اصل هنجاری حقوق بین المللی. این اصل مورد تایید جامعه بین الملل و توسط سازمانهای تدوین کننده حقوق بین الملل در این زمینه مانند موسسه حقوق بین الملل و کمیسیون حقوق بین الملل. به طوری که کمیسیون حقوق بین الملل در زمان تدوین کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی سال ۱۹۹۷، فعالانه دول ساحلی آبراههای بین المللی را تشویق به انجام "مشارکت منصفانه" (ماده ۵، بند ۲) که ارتباط نزدیکی با اجرای اصل استفاده منصفانه دارد، کرده است. که برای اجرایی کردن آن ماده ۲۴ این کنوانسیون ماهیت و محدوده نقش بالقوه ای که توسط مکانیسمهای مشترک بازی می شود را نشان می دهد. در ادامه به توضیح بیشتر این اصل پرداخته خواهد شد (۱۲).

۱-۳- قواعد و مقررات حاکم بر بهره برداری های غیر

کشتیرانی از آبراههای بین المللی

طی سالیان متمادی جامعه بین الملل تلاشهای بسیاری در جهت توسعه حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراههای

کارخانه‌های خمیر کاغذ مجاور رودخانه اروگوئه (Pulp Mills) که میان آرژانتین و اروگوئه بود اشاره کرد (۱۶). دیوان اعلام کرد که "یک تعادل باید بین حقوق و نیازهای طرفین در مورد استفاده از این رودخانه برای اهداف اقتصادی و تجاری و تعهد به حفاظت آن از هر آسیب زیست محیطی که می‌تواند از چنین فعالیت منتج شود، ایجاد شود".

ماده ۱۲ این کنوانسیون نیویورک نیز به اصل اطلاع‌رسانی قبلی می‌پردازد. بر اساس این اصل اگر دولتی بخواهد طرح‌های جدیدی را در رودخانه به اجرا بگذارد و یا تغییراتی در آن ایجاد نماید، باید قبلاً با سایر دولت‌های ساحلی مذاکره نموده و موافقت آن‌ها را جلب نماید. مواد ۲۰ تا ۲۶ این معاهده نیز به اصل حفاظت، نگهداری و مدیریت معروف هستند و به الزام حفاظت از محیط زیست توسط کشورهای ذی‌مدخل در رودخانه می‌پردازد.

۲- جایگاه توسعه پایدار در حقوق آبراه‌های بین‌المللی

توسعه پایدار که به منظور استفاده پایدار کشورها از منابع طبیعی ایجاد شد مسئولیت بین‌المللی کشورها را در این زمینه به همراه خود آورد (۱۷). سه عنصر مهم اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست فاکتورهای مهمی تحت مفهوم توسعه پایدار هستند که می‌توانند حفاظت و مدیریت بهتر منابع طبیعی را تسهیل کنند.

بنابراین این مفهوم نقش مهمی را در توسعه رژیم حقوقی بین‌المللی برای حفاظت از منابع طبیعی از جمله آبراه‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. با ایجاد و توسعه این مفهوم طیف وسیعی از قوانین الزام آور و غیرالزام آور با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی مطرح شد. که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱- مفهوم حقوقی توسعه پایدار

توسعه پایدار، مهم‌ترین و بهترین مفهوم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی است که به دنبال بازتاب درک چگونگی ارتباط ملاحظات محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی است. شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار برخاسته از آگاهی از حفظ تعادل میان نیازهای انسانی و محیط طبیعی وابسته به آن از سوی انسان است. هسته مفهوم توسعه پایدار، درک این حقیقت است که

بین‌المللی است. این سند به دلیل تدوین اصول و قواعد عرفی حقوق آبراه‌های بین‌المللی در هفت بخش، سی و هفت ماده و یک الحاقیه حائز اهمیت است (۴). این کنوانسیون با هدف اطمینان یافتن از نوع بهره‌برداری، توسعه، حفاظت، مدیریت و نگهداری از آبراه‌های بین‌المللی و تشویق بهره‌برداری پایدار و بهینه در جهت نگهداری از منابع آبی برای نسل‌های حاضر و آینده ایجاد شده است. مشابه با قوانین هلسینکی، کنوانسیون اصول همکاری و مذاکره با قصد واقعی جهت تحصیل به توافق و استفاده منصفانه و معقولانه از منابع آبی بین‌المللی را به رسمیت شناخته است. ماده ۵ کنوانسیون کشورها را به استفاده منصفانه و معقولانه از منابع آبی مشترک متعهد می‌نماید (۱۴).

معیارها و شاخص‌های استفاده معقولانه از منابع آبی مشترک در ماده ۶ این معاهده تشریح گردیده است و اظهار دارد که وزنی که باید به هر یک از این فاکتورها داده شود از طریق اهمیت مقایسه آن با دیگر فاکتورها مشخص می‌شود (۱۲). ماده ۷ این کنوانسیون نیز اشاره به قاعده عدم ایجاد خسارت چشمگیر و دیرپا به دیگر دول دارد. در عمل، بر سر توافق بر ارجحیت ماده ۵ یعنی اصل استفاده منصفانه و معقولانه و ماده ۷ یعنی اصل عدم ایجاد خسارت اختلاف ایجاد شده است. در واقع کشورهای پایین دست ساحلی تمایل به پذیرش اصل عدم ایجاد ضرر و زیان جهت محافظت خود از اثرات هرگونه فعالیت‌های کشورهای بالادستی دارند، در حالی که کشورهای بالادست ساحلی تمایل بیشتر به پذیرش اصل استفاده منصفانه و معقولانه برای ایجاد سهم بیشتر جهت بهره‌برداری از منابع آبی دارند. با این حال، بسیاری از رویه‌های قضایی به این اصل اشاره کرده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در حکم خود به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ مربوط به قضیه گابسیکوو-ناگیماروس

(Nagymaros Gabcikovo) یا پروژه انحراف یکجانبه رودخانه توسط چکسلواکی (اسلواکی)، با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول، با اذعان عمل غیر قانونی اسلواکی از آن به عنوان "کنترل یک جانبه یک منبع مشترک و در نتیجه محرومیت مجارستان از حق خود از یک سهم منصفانه و معقولانه از منابع طبیعی دانوب دانسته است" (۱۵). همچنین دیوان بدین اصل در حکم خود در سال ۲۰۱۰ در اختلافات

استکهلم، نشست سران زمین، برگزار و بیانیه ریو تحت عنوان محیط زیست و توسعه و دستور کار ۲۱، برنامه عمل جهانی برای توسعه پایدار، ارائه شد. در این نشست تاکید ویژه بر مسائل توسعه و محیط زیست مشهود بود. در اصل سوم بیانیه ریو اعلام گردیده که حق توسعه باید «به نحوی اعمال شود که بطور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسلهای آینده را در زمینه توسعه و حفظ محیط زیست برآورده سازد». در واقع این تعریف نیز تاکید دارد بر اصل عدالت بین نسلی و عدالت درون نسلی که یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست می باشد. بعد از این کنفرانس نیز تعدادی کنفرانس بین المللی مهم در زمینه توسعه پایدار از جمله نشست سران زمین +۵ در نیویورک، نشست جهانی توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ و کنفرانس ریو+۲۰، ۲۰۱۲ برگزار شد. برگزاری این کنفرانسها همواره برای تحلیل و ارزیابی دستاوردهای کنفرانس ریو و ارائه چشم انداز آتی برنامه‌هایی برای اجرایی کردن بهتر توسعه پایدار صورت گرفت.

۲-۱-۱- مبانی توسعه پایدار از منظر حقوقی

ذات گسترده تعریف توسعه پایدار باعث نیاز به شناسایی مولفه‌های توسعه پایدار تاثیرگذار بر حقوق می‌شود. بهترین دیدگاه برای شناسایی مبانی مفهوم توسعه پایدار بر اساس بیانیه محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ ریو است. با توجه به این بیانیه هفت مولفه مهم برای توسعه پایدار قابل برداشت است (۱۸).

الف - بکپارچگی حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی

ب - حق بر توسعه

ج - بهره‌برداری پایدار و حفاظت از منابع طبیعی

د - عدالت بین نسلی

و - عدالت درون نسلی

ه - اصل پرداخت توسط آلوده ساز

ی - عناصر اجرایی جهت دسترسی به توسعه پایدار (دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، مشارکت عمومی و عدالت محیط زیستی).

اصل الف نیاز به برقراری تعادل میان مسائل زیست محیطی و مربوط به توسعه را منعکس می کند؛ زیرا شرایط فعلی محیط

مسائل محیط زیستی نباید جدا از دیگر مسائل و نگرانی‌های جهانی در نظر گرفته شود. توسعه پایدار بر اساس فرضیه ای است که نه تنها ارتباطات متقابل میان محیط زیست و توسعه وجود دارد، بلکه این مسائل به خودی خود، از لحاظ دلایل و دینامیزمشان تفکیک‌ناپذیر هستند. بنابراین مفهوم توسعه پایدار مجموعه ای از عناصر اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی است. چارچوب نظری ایجاد مفهوم توسعه پایدار از طریق یک سری کنفرانس‌های بین‌المللی و ابتکار عمل بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ شکل گرفته است. کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی وجود دارد که بر اهمیت توسعه پایدار تاکید می‌کنند. کنفرانس سازمان ملل درباره انسان و محیط زیست که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد، اولین اجلاس مهم بین‌المللی بود که در زمینه پایداری در مقیاس جهانی، در آن بحث و تبادل نظر شد. در سال ۱۹۸۳ سازمان ملل، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه را به مدیریت نخست وزیر نروژی، گرو هارلم برانت لندن، تشکیل داد. مفهوم توسعه پایدار در گزارش منتشر شده توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) تحت عنوان آینده مشترک ما در سال ۱۹۸۷ به عمومیت درآمد. در این گزارش توسعه پایدار این‌گونه تعریف شد؛ توسعه پایدار، عبارت است از برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد. آنچه در این تعریف به عنوان اساس توسعه پایدار معرفی شده، «توسعه اقتصادی توأم با تامل در استانداردهای زیست محیطی و رعایت آن‌ها با در نظر گرفتن حق نسل‌های آینده در بر خورداری از مواهب طبیعی برای تامین نیازهای شان در آینده است». پس ضرورت توجه به نسل‌های حاضر و احتیاجات نسل‌های آتی توأم با یکی از اصول توسعه پایدار می باشد. در نتیجه نمی توان تنها ضرورت توجه به نیازهای نسل آتی را توجیهی برای عدم توجه به خواسته‌های معقول و متناسب نسل حاضر دانست.

بنابراین گزارش برانت لندن زمینه ای را برای نشست سران ریو در سال ۱۹۹۲ فراهم کرد و اساسی برای نهادینه سازی جهانی توسعه پایدار مهیا کرد. به یادبود بیستمین سالگرد کنفرانس

کند. بنابراین عناصر شاخص توسعه پایدار منابع آب را به صورت زیر می‌تواند شناسایی شود:

- ۱- حق استفاده از آب
 - ۲- حفاظت، جلوگیری از تخریب منابع آبی
 - ۳- حفاظت و نگهداری از جریان آب
 - ۴- دیدگاه اکوسیستم مینا
 - ۵- عناصر اجرایی جهت دسترسی به توسعه پایدار آب
- حقوق آبراه‌های بین‌المللی تنها با هدف حل مشکلات میان کشورهای ساحلی ایجاد نشده است بلکه باید دیدگاه خود را فراتر از حل اختلافات بر سر اختصاص آب یا جلوگیری از آلودگی آب قرار دهد. اینجاست که مفهوم توسعه پایدار نقش فعال خود را به عنوان مبنای منطقی برای گسترش حوزه حقوق آبراه‌های بین‌المللی ایفا می‌کند و در این میان یکی از اصولی که بیشترین ارتباط را با توسعه پایدار در این حوزه از حقوق بین الملل برای محقق شدن مبنای مذکور دارد، اصل استفاده منصفانه و معقولانه است (۴).

۳- تعامل بین حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراه ای بین المللی و توسعه پایدار

حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی از دو بعد به توسعه پایدار مرتبط می باشند: نخست، تبلور این مفهوم در کنوانسیون های خاص این رشته از حقوق بین الملل و بعد ویژگی های مشترک بین اصول حقوقی حاکم بر بهره برداری از آبراه های بین المللی و مبنای توسعه پایدار .

۳-۱- مفهوم توسعه پایدار در دو کنوانسیون آبراه هلسینکی و کنوانسیون آبراه نیویورک

در حقوق آبراه‌های بین‌المللی، دو معاهده اصلی یعنی کنوانسیون آبراه سازمان ملل و کنوانسیون آبراه کمیسیون اقتصادی اروپا هر دو به مفهوم توسعه پایدار اشاره کرده‌اند. بخش سوم از بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ بیان می‌دارد که اقدامات کشورها برای جلوگیری، کنترل و کاهش هر گونه اثرات فرامرزی باید با این اصل همراه باشد که منابع آبی به گونه‌ای مدیریت شوند تا نیازهای نسل حاضر، بدون به

زیست جهانی ثابت کرده است که در نظر گرفتن یکی از نیازهای زیست محیطی یا اقتصادی-اجتماعی به تنهایی نتایج طولانی مدتی را به همراه نخواهد داشت. اصل ب یکی از اصول زیست محیطی نسبتاً چالش برانگیز حقوق بین‌الملل می باشد که از تأیید جهانی برخوردار نیست. در کشورهای در حال توسعه یک اصل بسیار مهم محسوب می شود و بر این مهم دلالت دارد که حفاظت از محیط زیست لزوماً به معنای چشم پوشی از ضرورت توسعه اقتصادی نیست.

اصل ج دلالت بر این دارد که نگهداری منابع طبیعی مستلزم آن است که اطمینان حاصل شود که این منابع در آینده نیز وجود خواهند داشت، بنابراین استفاده از این منابع نباید بیشتر از ظرفیت و جذب آلودگی آنها برای بازسازی باشد. عدالت بین نسلی مفهوم مشارکت میان نسل‌ها را تأیید می‌کند. بنابر این، این مشارکت نیازمند آن است که نسل فعلی، اصل د، بایستی منابع را به گونه‌ای به مصرف برسانند که کمیت و کیفیت آن در زمان انتقال به نسل بعد کاهش نیافته باشد (۱۹).

اصل ه در جست و جوی برقراری عدالت و برابری میان نسل حاضر است و رفتار متفاوت کشورهای در حال توسعه در بسیاری از اسناد گویای اهمیت این اصل است. اصل پرداخت توسط آلوده ساز مقرر می‌دارد که مسئولیت جبران خسارت بر عهده شخصی است که موجب آلودگی محیط زیست شده است. گرچه در ابعاد وسیعی پذیرفته‌اند که این یکی از اصول زیست محیطی است که از نظر حقوقی الزام‌آور نمی باشد، اما این اصل در سطح داخلی در مباحث مالیاتی به خوبی گنجانده شده است که نشان دهنده عملیاتی سازی و اجرای این اصل می‌باشد (۲۰). عناصر اجرایی توسعه پایدار شامل حق دسترسی به اطلاعات، الزامات نظارت و ارزیابی زیست محیطی و مشارکت عمومی است. این اقدامات در در نهادهای سازی تکلیف اساسی مرتبط با پایدارسازی کمیت و کیفیت منابع طبیعی جهانی دارای اهمیت می‌باشند.

با در نظر گرفتن مبنای ذکر شده، توسعه پایدار در حقوق آبراه‌های بین‌المللی می‌تواند به عنوان توسعه منابع آب با یک روش خاص باشد که هم باعث حفظ ذخیره کافی از آب با کیفیت شود و هم اکوسیستم آبراه را برای مصارف نسل‌های آینده حفظ

مخاطره انداختن توانایی‌های نسل آینده برای تامین نیازهایشان برآورده شود. از سوی دیگر یکی از اهداف کنوانسیون آبراه‌های نیویورک ۱۹۹۷ ترغیب به استفاده پایدار و بهینه از منابع برای نسل حاضر و آینده است. بنابراین در اینجا مشخص می‌شود که هر دو کنوانسیون به دنبال محقق شدن جایگاه اصل عدالت بین نسلی و عدالت درون نسلی از مبانی اصلی توسعه پایدار می‌باشند. بخش اول بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ تنها ماده ای است که در بیان مدیریت، به برنامه‌ریزی توسعه پایدار آبراه‌های بین‌المللی اشاره می‌کند و به طور کاملاً واضح از اصطلاح توسعه پایدار استفاده می‌کند. هر دو کنوانسیون آبراه‌های هلسینکی و کنوانسیون آبراه نیویورک، به مسائل محیط زیستی در پیش‌بینی‌های خود توجه کرده‌اند. کنوانسیون نیویورک با توجه به پیشنهادات بیانیه ریو ۱۹۹۲ و دستور کار ۲۱ بیشتر از کنوانسیون هلسینکی به مسائل توسعه‌ای توجه کرده است و نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای ساحلی آبراه‌ها و جمعیت وابسته به آبراه‌ها را در نظر گرفته است. پس باز هم ملاحظه می‌شود مبانی توسعه پایدار از جمله حق بر توسعه و البته یکپارچگی حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی در زمینه آبراه‌ها نیز در تنظیم هر دو کنوانسیون سایه انداخته است. مهمترین فرصت برای توسعه منافع اقتصادی همراه با حفظ محیط زیست آبراه‌ها در اصل استفاده منصفانه و معقولانه دیده می‌شود که یکی از اصول اساسی و پذیرفته شده حقوق بین‌الملل آبراه‌ها است (۱۸).

۳-۲- ارتباط اصل استفاده منصفانه و معقولانه با توسعه پایدار

در حقوق بین‌الملل آبراه‌ها، سازگاری میان مصارف مختلف از آب، بر اساس دو اصل استفاده منصفانه و معقولانه و قانون عدم ایجاد ضرر است (۲۱). از سوی دیگر، اصول مذکور به علاوه اصل حفاظت از محیط زیست آبراه‌ها بر شکلگیری مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل آبراه‌ها تاثیر می‌گذارد. کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی سازمان ملل در مواد ۵ تا ۷ و هم‌چنین کنوانسیون آب کمیسیون اقتصادی اروپا در ماده ۲

خود، کشورها را ملزم می‌کنند، تا از استفاده از منابع آبی مشترک به صورت منصفانه و معقولانه حمایت کنند و به دیگر کشورها آسیب شدید وارد نکنند. ماده ۵ کنوانسیون نیویورک بیان می‌دارد که آبراه‌های بین‌المللی باید با توجه به دستیابی به بهره‌برداری پایدار و بهینه از منافعشان توسعه و استفاده شوند و منافع کشورهای ساحلی با توجه به حفاظت از آبراه‌ها در نظر گرفته شود. کلمه بهره‌برداری پایدار و بهینه در ماده بالا می‌تواند هدفی باشد که از طریق اصل استفاده منصفانه و معقولانه قابل دستیابی است. فاکتورهای تعیین کننده اصل استفاده منصفانه و معقولانه ویژگی‌های مشترکی با عناصر توسعه پایدار دارد. اصل استفاده منصفانه و معقولانه در چارچوب وسیعتری قرار دارد که ملزم به در نظر گرفتن همه عناصر مفهوم توسعه پایدار است. به جرات می‌توان گفت که اصل استفاده منصفانه و معقولانه قدرتمندترین ابزار برای اطمینان‌یابی از تحقق عدالت بین نسلی با در نظر گرفتن همه فاکتورها و شرایط استفاده از آبراه‌های بین‌المللی و هم‌چنین فاکتورهای مربوط به حفاظت از محیط زیست و نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای درون آبراه‌ها است (۱۸). هم‌چنین با توجه به ماده ۵ کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ که به استفاده منصفانه و معقولانه اشاره میکند، اظهار دارد که استفاده مفید از منابع آبی تنها زمانی منصفانه است که پایدار باشد، یعنی این اصل تنها برای حفظ کمیت و توزیع آب کاربرد ندارد بلکه جهت حفظ کیفی آب نیز قابل کاربرد است. با توجه به مفهوم استفاده منصفانه، کشورهای ساحلی ملزم به استفاده از آب‌های مشترک به صورت برابر هستند. این مفهوم تنها برابری میزان آب مورد اشتراک را در نظر می‌گیرد. این دیدگاه در قضیه گابسیکوناگیمارو از سوی دادگاه بین‌المللی دادگستری تغییر کرد که در آن مفهوم استفاده منصفانه به دلیل نیاز به دستیابی به توسعه پایدار در رودخانه دانوب با چالش مواجه شد. در این داوری، دادگاه تاکید کرد که برای استفاده از منابع آبی برای دلایل اقتصادی، اثرات آن بر محیط زیست و ریسک قابل انتظار برای نسل‌های حاضر و آینده نیز در نظر گرفته شود (۴). بنابراین کشورها نیز باید توازن بین فاکتورهای مربوط به

آبراه‌های بین‌المللی بودند، منبعث از مفهوم توسعه پایدار بوده است. در این چارچوب، تلاش دولتها در وضع قواعد و مقررات الزام آور و غیر الزام آور از قبیل کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از دریاچه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون به حقوق بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، نیویورک ۱۹۹۷ نشان دهنده اهمیت آبراه‌های بین‌المللی است. یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی که رابطه مستقیمی میان توسعه پایدار و آبراه‌های بین‌المللی ایجاد کرد، کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ است که کشورها را ملزم به استفاده از آبراه‌های بین‌المللی به صورت منصفانه و معقولانه کرده است. هدف از بیان این اصل، دست‌یابی به استفاده پایدار و بهینه از منابع است تا همزمان با برآورده شدن نیازهای اساسی انسان‌ها، اکوسیستم آبراه‌ها نیز حفظ شود و این منابع برای نسل‌های آینده نیز باقی بماند (۲۳). بنابراین در این کنوانسیون به اصل استفاده منصفانه و معقولانه اشاره شده است، زیرا بر اساس مطالعات کارگروه سازمان ملل برای تهیه پیش‌نویس کنوانسیون نیویورک مشخص شد که اعمال دکترین هارمون یا همان دکترین حاکمیت سرزمینی مطلق نتیجه‌ای جز اختلاف میان کشورها و از بین رفتن آبراه‌های مشترک ندارد، اما این اصل حق تجاوز از حدود استفاده از آبراه‌های بین‌المللی را به کشورهای ساحلی نمی‌دهد. از این رو، مفهوم توسعه پایدار در زمینه حقوق آبراه‌های بین‌المللی، تجربه جدید در ادبیات حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌آید. اگرچه توسعه پایدار آبراه‌های بین‌المللی هدف کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ نبود، اما اگر توسعه پایدار آبراه‌های بین‌المللی قابل دست‌یابی باشد، مکانیسم جدیدی برای تحقق عناصر توسعه پایدار از طریق اعمال اصول حقوق آبراه‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود. البته باید اذعان داشت که برخی اعتقاد دارند که اصل استفاده منصفانه و معقولانه نمی‌تواند از همه مبانی توسعه پایدار حمایت کند. توسعه پایدار مفهوم گسترده‌ای است که فقط بر آبراه‌های بین‌المللی تاثیر نمی‌گذارد، بلکه بر همه منابع آبی درون همه کشورها اثرگذار است. برخلاف اصل استفاده منصفانه و معقولانه، توسعه پایدار اصلی نیست که تنها بر اثرات فرامرزی بر آبراه‌های بین‌المللی تمرکز کند. توسعه آبراه میان دو

استفاده منصفانه و معقولانه از آبراه‌ها جهت حفظ کمی و کیفی آب برقرار کنند تا حق استفاده از آب و حفاظت از آب و جریان آب از مبانی توسعه پایدار در حقوق آبراه‌های بین‌المللی حفظ شود. اما با توجه به تمرکز اصلی کنوانسیون بر مسائل محیط زیستی، کشورها نیز معمولاً به همین فاکتورهای محیط زیستی اکتفا می‌کنند.

از سوی دیگر، قاعده عدم ایجاد خسارت چشمگیر و دیرپا به دیگر دول در حقوق بین‌الملل آبراه‌ها در ارتباط با اصل استفاده منصفانه و معقولانه است و ابزار قانونی برای کشورها ایجاد می‌کند که در زمان استفاده از آبراه‌های بین‌المللی در سرزمین خود موجب ضرر و زیان به کشورهای دیگر نشوند. این قاعده از فعالیت‌هایی که موجب اثرات فرامرزی بر کشورهای ساحلی دیگر می‌شود، جلوگیری می‌کند. بنابراین اصلی که می‌تواند تا حدودی در کاهش هرگونه اثرات فرامرزی و اثرات شدید نامطلوب که منجر به تخریب اکوسیستم آبراه‌های بین‌المللی می‌شود، عمل کند، اصل استفاده منصفانه و معقولانه است. همان طور که در دکترین مربوط به بهره‌برداری از منابع آبی ذکر شد، آنچه که به عنوان اصل اساسی پذیرفته شد، اصل مدیریت مشترک است که پایه‌ای برای شکل‌گیری و اجرای اصل استفاده منصفانه و معقولانه بود که ارتباط تنگاتنگی با قاعده لاضرر و اصل همکاری دارد. به بیان دیگر برای بهره‌برداری منصفانه و معقولانه از یک آبراه بین‌المللی نیاز به همکاری دول ساحلی می‌باشد. که این نوع همکاری می‌تواند در زمینه‌های مختلفی باشد: قانونگذاری، اجرایی، تحقیقاتی و تکنیک.

در نتیجه، سه اصل ذکر شده در بالا، هر یک ابزاری هستند برای تحقق توسعه پایدار در آبراه‌ها بین‌المللی است.

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق بهره برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی یکی از موضوعات مهم حقوقی است که از مفهوم توسعه پایدار متأثر بوده است. در واقع بسیاری از مقررات و معاهدات بین‌المللی که در صدد تنظیم روابط دولتها در خصوص نحوه بهره‌برداری از منابع مشترک آبی، به‌ویژه بهره‌برداری از منابع آبی و حفاظت

- کشور ممکن است منصفانه باشد، اما اگر ملاحظات محیط زیستی، توسعه و یکپارچگی را در نظر نگیرد، لزوماً می‌تواند مطابق با اصل توسعه پایدار نباشد. از سوی دیگر اصل استفاده منصفانه و معقولانه تا حدودی نمی‌تواند با ایجاد برابری بین نسلی، مفهوم توسعه پایدار را محقق کند. عقیده همگانی با توجه به برابری بین نسلی بر این است که هزینه فعالیت‌های امروز نباید به نسل‌های آینده منتقل شود. اگرچه نیازهای نسل آینده شناخته شده نیست، اما پیش بینی نیازهای نسل آینده مثل نیاز به آب آشامیدنی سالم کاملاً منطقی است. بنابراین استفاده منصفانه و معقولانه تلاش می‌کند تا کمترین نیاز آب برای نیازهای اساسی انسان را تامین کند و توازن میان توسعه و محیط زیست برقرار کند. برای هدایت استفاده منصفانه‌ای که دستیابی به توسعه پایدار آبراه‌های بین‌المللی را تشویق کند، می‌توان از فاکتورهای مربوط به استفاده منصفانه و عناصر و اجزای ذاتی توسعه پایدار را به عنوان معیار برای الویت‌بندی مصارف منصفانه استفاده کرد. بنابراین، سناریوهای احتمالی بر اساس استفاده منصفانه به صورت کاملاً پایدار، پایداری کم، حداقل پایداری و ناپایدار باشد. پس باید توجه داشت که در عمل استفاده منصفانه‌ای که کاملاً پایدار است، اولویت اول را می‌گیرد در حالی که استفاده منصفانه‌ای که حداقل ناپایداری را دارد، پایین‌ترین الویت را می‌گیرد. از این رو، صرف نظر از خلأهای حقوقی و اجرایی در خصوص رابطه مفهوم توسعه پایدار و حقوق آبراه‌های بین‌المللی در غیر مقاصد کشتیرانی، پیوند این دو مقوله حقوقی می‌تواند الگویی برای سایر بخشها و موضوعات حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار آید.
- منابع
- Wolf, A. 2007. Shared waters: conflict and cooperation, Annual Review of Environmental Resources, vol. 32, no. 3, pp. 3.1-3.29. -۱
- Blanchon, D. 2009. Atlas mondial de l'eau. De l'eau pour tous? Paris: Editions Autrement -۲
- Salman M.A. salaman. 2007. The United Nations Watercourses Convention Ten years later: Why Has its Entry into Force Proven Difficult?, International Water Resources Association, Water International, Volume 32(1), pp.1-15. -۳
- Pichyakorn, B. 2002. Sustainable development of international watercourses in international law: a case study of the Mekong river basin. PhD thesis, Middlesex University. -۴
- نقش بندی، س، نقش بندی، ن، " دکترین‌های حقوق بین‌الملل در خصوص بهره‌برداری از رودخانه‌های مرزی"، اولین همایش ملی برنامه-ریزی، حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، اسفند ۱۳۹۲- همدان- ایران. -۵
- عبداللهی، محسن، اصلی، عباسی، ۱۳۹۲، حقوق و مدیریت آب، انتشارات شهر دانش، ص ۳۳۶. -۶
- Magfour, El Hassne, *Hydropolitique et droit international au Proche-Orient*, Paris L'Harmattan 2008, p.187 et 188. -۷
- Shirazian, Shirin, 2013, *Les aspects juridiques de la protection de l'environnement des cours d'eau internationaux du Moyen-Orient*, Thèse de doctorat, l'Université de Lorraine, pp.17-21. -۸
- Mcintyre, Owen, «Environmental protection of international watercourses under international law», Ashgate, Burlington (USA), 2007, p.18. -۹
- Soboka Bulto, Takele, « Between Ambivalence and Necessity: Occlusions on the Path towards a Basin-Wide Treaty in the Nile Basin », Colorado Journal of International Environmental Law and Policy, Vol. 20, Colorado, 2009, pp. 303-3. -۱۰

- Navigational Uses of International Watercourses, Ashgate Pub Ltd
Fitzmaurice, M., Omg, D.M., -۱۸
Merkouris P, 2010. Research handbook on international environmental law. Edward Elgar publishing, USA.
- Prieur, Michel, 2014, Droit de -۱۹
l'environnement, droit durable, Bruylant, pp.19-21.
- Vinuales, Jorge, 2015, The Rio -۲۰
Declaration on Environment and Development, A commentary, Oxford University Press, pp.139-141.
- Belinskij, Antti, 2015, Water-Energy- -۲۱
Food Nexus within the Framework of international, Journal Water.
- Tanzi, Attila, Owen, 2015, McIntyre, -۲۲
The UNECE Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourse and International Lakes, Brill Nijhoff, Leyden/Boston, pp.147-158.
- ۱۱- آراء هیات داوری ۱۹ اوت ۱۸۷۲ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، متن آراء مندرج در سنت جان، لووت و اوان اسمیت و سر فردریک جان گلدسمید، پارس شرقی: روایتی از سفرهای کمیسیون مرزی پارس، ۲۲-۷۱-۱۸۷۰، لندن، ۱۸۷۶، جلد اول، ۴۱۳.
- ۱۲- McCaffrey, Stephen C., 2007, The law -۱۲
of international watercourses, Oxford edition, University Press Inc, Second pp.99-100.
- Hilderling, A., 2004. International law, -۱۳
Sustainable development & water management. Eburn Publishers.
- Salman M.A. salaman. 2014. Entry -۱۴
into force of the UN watercourses Convention: Why should it matter?, International journal of water resources development, ICJ (International Court of Justice) -۱۵
(1997)Gabcikovo-Nagymaroscace, General List No. 92, 25 September, para 150, p.69.
- ICJ. (2010). International Court of -۱۶
Justice.PulpMills on the River 10 Uruguay. (Argentina v. Uruguay), April 2010
- Kaya,Ibrahim. 2003. Equitable -۱۷
Utilization, The law of the Non-